

ترجمه: مریم معزی

تصویرات آمریکائیان شمالی از خاورمیانه*

آنچه در پی مرآه، پژوهشی است در کتابهای درسی آمریکای شمالی درباره نگرش به خاورمیانه. هرچند حدود بیست سال پیش این پژوهش صورت گرفته و به احتمال بسیار تاکنون متن این کتابها تفسیر کرده است. (البته نه لزوماً به معنای تصحیح)، هنوز می‌بایست اثر آن نگرش در افکار عموم این کشورها باقی مانده باشد و شاید آنچه امروز حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس را برای مردم آن کشور قابل پذیرش ساخته، همین طرز تلقی آنان نسبت به خاورمیانه باشد.

در این جا بر خود لازم می‌دانم از استاد گرانقدر آقای دکتر عبدالهادی حائری که متن اصلی این مقاله را در اختیارم گذاردند تشکر کنم. م.

از چندی پیش پژوهشگران دریافته‌اند که کتابهای درسی دبیرستانی در ایالات متحده و

* این نوشته برگردانی است به پارسی از مقاله‌ای با این ویژگیها:

W. J. Griswold and others, "The Image of the Middle East in Secondary School Text books", Middle East Studies Association of North America, (1975), pp.1-31.

کانادا، تصویری بیش از اندازه سطحی، ساده و حتی بد جلوه داده شده‌ای را از فرهنگها، تاریخ و سیاستهای خاورمیانه ارائه می‌دهد. انجمن مطالعات خاورمیانه^۱ در دیدار سالیانه خود در سال ۱۹۷۱ [۱۳۵۰ خورشیدی]، یک گروه هشت نفری را به نام «کمیته بررسی درباره تصور خاورمیانه در دبیرستانها»^۲ در مورد کتابهای درسی دبیرستانی برگماشت، تا بازنماید که آیا خاورمیانه به اندازه کافی مورد بررسی قرار گرفته و روش کار آنها به دور از جانبداری و اشتباه بوده است یا خیر. برای نشان دادن یک پراکندگی گسترده در ایالات متحده و کانادا، و روش کار در سراسر آموزشگاههای محلی بخشها، اعضای کمیته بیش از هشتاد کتاب درسی تاریخ جهان، علوم اجتماعی و جغرافیایی را بررسی کردند. در دیدار سالیانه انجمن مطالعات خاورمیانه در نوامبر ۱۹۷۲ [آبان ۱۳۵۱ خورشیدی] استاد فرهت زیاده^۳ از دانشگاه واشنگتن، رئیس کمیته یادشده کار کمیته را در یک گزارش کوتاه خلاصه کرد^(۱).

هرچند این کمیته پیشاپیش بدون دیدگاه ویژه‌ای بنیاد نهاده شد، اعضای آن پس از نقد کامل کتابهای درسی دبیرستانی و در موارد بسیاری پس از گفتگو با دبیران دبیرستانها، به داوری پرداختند. آنان معدودی کتابهای خوب نوشته شده، سراسر پژوهش شده با اشتباههای قابل تشخیص اندکی یافتند^(۲). با وجود این، محتوای بیشتر کتابها اشتباه بود. در تحلیلهای سیاسی و اجتماعی، تصویرهای کلیشه‌ای ارائه شده بود. موضوعهای پیچیده، بیش از اندازه سطحی و نتایج جهت‌دار بود. درحالی که از مواردی چشم‌پوشی شده، اغلب زیر لفافه واقعیت تاریخی از اعمال ملل نتایج اخلاقی گرفته بودند. بدون تردید، این کمیته آنچه را می‌جست، یافت. با وجود این، تصویرهای کلیشه‌ای چنان تکراری و آشکار بود که اعضای آن کمیته احساس کردند بجاست دست کم اشاره‌ای به برخی از این اشتباهها بکنند. با این امید که نویسندگان کتابهای درسی و ناشران آنها از این مسائل آگاه شوند.

اعضای این کمیته، تعداد بسیار کمی از نویسندگان را یافتند که هویت یا شهرتشان

1 - The Middle East Studies Association (MESA).

2 - Committee on the Middle East Image in Secandry Schools.

3 - Farhat Ziadeh.

نشان دهندهٔ تخصص آنها در فرهنگ خاورمیانه باشد. بیشتر کتابهای درسی را بیش از یک نویسنده نوشته بود. برخی از آنها با مشاوره و پاره‌ای به شیوهٔ همکاری گروهی نوشته شده بود. بیشتر نویسندگان، استادان تاریخ و دبیران دبیرستانهای علوم اجتماعی بودند. برخی نیز استادان جغرافیا، انسان‌شناسی و علوم سیاسی بودند. گروهی از نویسندگان حرفه‌ای نبودند. آنان عموماً با آگاهی تجربی دست کم پنج ساله و در برخی موارد ده ساله که می‌تواند به توضیح پاره‌ای از آگاهیهای نادرست زودباورانه کمک کند، کار می‌کردند. کمتر نویسنده‌ای به دگرگونیهای فوق‌العاده در صنعت، کشاورزی و قدرت مالی که در خاورمیانه در حال رخ دادن است و به شیره‌ای حیاتی بر منافع آمریکائیان شمالی تأثیر می‌گذارد؛ اشاره کرده بود. این کمیته در گفتگوها دریافت که تنها درصد بسیار کمی از دبیران مدارس پیش از این خاورمیانه را مورد مطالعه قرار داده بودند و در واقع تمام معلومات آنان از روی کتابهای درسی‌ای بود که براساس دقت و درک نویسنده، با تأکید مطالبی مهم و حیاتی تلقی شده بود.

براساس این یافته‌ها، این بخش به تشریح نمونه‌های نادرست چندی از کتابهای درسی دبیرستانی علوم اجتماعی و کتابهای جغرافیایی برگزیده شده در ایالات متحده و کانادا پرداخته است^(۳). غلبهٔ اشتباه و تصویرهای کلیشه‌ای در کتابهای درسی نشان می‌دهد که دبیران باید در دیدگاه‌هایشان دربارهٔ خاورمیانه از تعصبی احتمالی پیروی نکنند. نویسندگان باید آگاهیهای دقیق و تنظیم شده‌ای را ارائه نمایند و ناشران باید تهیه مواد تکمیلی کم‌هزینه، مجهز به آخرین اطلاعات را در استاندارد کتابهای درسی، مورد رسیدگی قرار دهند که متکی بر دانش کارشناسان خاورمیانه باشد. درحالی که نویسندگان کتابهای درسی فاقد زمینهٔ محققانهٔ لازم برای موضوعهای تخصصی و مخصوصاً مسائل پیچیدهٔ خاورمیانه هستند.

۱ - جغرافیای خاورمیانه

کتابهای درسی تاریخ جهان و علوم اجتماعی دبیرستانی عموماً استانداردهای بالایی از صحت مطالب جغرافیایی، کیفیت عمومی و دقت نقشه‌ها را ارائه داده‌اند (این موضوع

به ویژه در مورد Mazour و Wallbank صادق است)^(۲). برای جغرافیدانان و دانش آموزان مشکل اصلی تعریفی قابل قبول از مرزهای خاورمیانه^(۵) است. یک کتاب درسی جغرافیایی استاندارد شده^۱ که لیبی و مصر، دو کشوری را که در خیرهای خاورمیانه در سالهای اخیر بسیار مطرح بوده اند، شامل نمی شود، ممکن است سبب سرگردانی دانش آموزان گردد. دانش آموزان با گشردن کتاب درسی ای که تأکید کرده است «خاورمیانه» سیاسی تنها شامل مدیترانه شرقی می شود^۲، ممکن است دچار سردرگمی شوند. یا کتاب دیگری که تأکید کرده است «فرهنگ جهان خشک از موریتانی در غرب آفریقا تا افغانستان امتداد دارد»^۳، موردی است که به جهت جنبه های متفاوت این منطقه نمی توان با نویسنده آن موافق بود. اما چنین گوناگونی ای نشان می دهد که دبیران برای رهایی از سردرگمی احتمالی نیازمند آگاهی هستند.

سرچشمه مهمتر ابهام از فضای کتابهای درسی ناشی می شود که به برخی از جنبه های غیراساسی زندگی و فرهنگ خاورمیانه (هرچند با آب و تاب) اختصاص یافت است. برای نمونه، بیابانهای این ناحیه، اگرچه با عکاسی فوق العاده ای همراه است، یک تصور غیرواقعی و گاهی خیالی از مردمی که در آنجا زندگی می کنند، ارائه می دهد. بیشتر نویسندگان تمامی اعراب را، چنان که گذشت، مردمی تماماً بدوی توصیف کرده اند و اغلب همراه با عکسهای است که این تصویرهای کلیشه ای را موجه می نماید. یک کتاب درسی کلاس هفتم که در آن خاورمیانه در بیست و چهار صفحه تشریح شده است، ده صفحه را به بیابان و شتر، چهار صفحه را به زندگی بدریان و شهرهای واحه ای، پنج صفحه را به بررسی اسلام به عنوان یک مذهب، سه صفحه را به «زندگی نوین در جهان خشک» (که نخستین تحلیل واقعی نویسنده از شیوه زندگی بیشتر مردم خاورمیانه است) و یک سوم صفحه را به «پشرفت» در جهان عرب، اختصاص داده است^۴. چنین تأکید

1 - The Middle East and South Asia (Cleveland).

۲- برای نمونه: Allen, p. 3.

3 - Wann, p. 162.

4 - Wann, pp. 158-181.

اغراق آمیزی، واقعیت را بدجلوه داده و احتمالاً در اذهان دانش آموزان کلاس هفتم چنین نقش می‌بندد که بیشتر اهالی خاورمیانه بدوی هستند. یک کتاب درسی کانادایی ادعا کرده است که: «خورشید داغ و گستره زیاد بیابانهای تفته، اندیشیدن به خدایانی چنان دور، ترسناک و با بخشایشی اندک را برای عربهای نخستین آسان می‌ساخت»^۱ که به نظر می‌رسد از منبع اطلاعاتی بسیار محدود، نتایج مذهبی بدون پشتوانه‌ای بیرون کشیده است. نتیجه چنین تأکیدی بر روی «تأثیر جغرافیایی» بیابان یا تحقیق نظری بر روی مذهب نخستین بدویان و نه بر مهارت تقریباً باورنکردنی لازم برای زیستن در آنجا، به همان اندازه عدم واقعیت و درک ارزش بیابان را ارائه می‌دهد که دریا ندیده‌ای، اقیانوس را جایی بی‌حفاظ، نفرت‌انگیز و از این روی غیر قابل اسفاده ببیند. در یک کتاب درسی کانادایی، رخنه ناپذیری بیابان آشکارا مورد تأکید قرار گرفته است و به بیابان به عنوان «یک سد جداکننده آفریقا به دو قسمت نگریسته است، بسیار موثرتر از آنچه اقیانوس اطلس میان اروپا و آمریکا عمل کرده»^۲. این ادعا، نقش جاده‌های تجاری کاملاً گسترده‌ای را که قرن‌ها مناطق آفریقایی زیر بیابان را با اهالی حاشیه مدیترانه پیوند می‌داد، به حداقل رسانده است.

اشتباه جدی دیگر، اشاره به فقدان کاردانی و هوش انسانی در بیشتر خاورمیانه است که بارها و بارها در متن کتابهای درسی با از طریق تصاویر به دست داده شده و تلقینی قوی است مبنی بر این که مردمی که درون یا نزدیک بیابانها زندگی می‌کنند، به ویژه عربها دارای ماهیت «عقب افتاده» یا «قدیمی» هستند؛ در این کتابها زندگی در واحه‌ها به تصویر کشیده شده است؛ یا روستائیان افغانی بر سر راه خود به شهر با لباسهای عجیب و رنگارنگ و سوار بر شترها، نشان داده شده‌اند^۳. دشواریهای تهیه آب و غیر قابل کشت بودن زمین، بسیاری از نویسندگان^۴ را به همان اندازه که به راستی می‌باید، نگران کرده است. با این حال به عرب

1 - Lavender, p. 281.

2 - Brown, p. 144.

3 - Welty, p. 127.

۴ - برای نمونه، تحلیل فوق‌العاده‌ای در کتاب زیر موجود است:

(یا ایرانی یا ترک) چه دربارهٔ شیوه‌های سادهٔ قرون وسطایی آبیاری و چه برای استفاده از تکنیکهای غربی در عصر جدید، بندرت بها داده شده است. هنگامی که استفادهٔ جدید از علوم در خاورمیانه توضیح داده شده، تقریباً همیشه کشور اسرائیل مورد مثال قرار گرفته است. هیچکس از این سخن نگفته است که اسرائیلیان می‌بایست نادیده انگاشته شوند؛ این نویسندگان به راستی موضوع را وارونه کرده‌اند: «... سرزمینهای حاصلخیز در مناطق بیابانی پیشین^۱، اما برابر آنچه در بسیاری از کتابهای درسی به شیوه‌ای ضمنی آمده است، اسرائیلیان در این پیشرفت بدون هیچ امکاناتی بی‌مانند بوده‌اند.

معدودی از این نویسندگان به سرمایه‌گذارهای کلان یا درصد بالایی از جمعیت ماهر و حرفه‌ای در این ملت کوچک جدید، اشاره کرده‌اند و بندرت کسی «معجزه در بیابان» اسرائیلی را با این حقایق مهم سنجیده است که خاورمیانه و شمال آفریقا (به عنوان یک کل)، تقریباً به همان اندازه ایالات متحده گندم تولید می‌کند؛ یا کشورهای عربی هم دستگاههای تقطیر مفرقی تأسیس کرده‌اند و مراقب اصول علمی زمینهای زیر رودخانه‌ها و چاههای آرتزین را به دنبال یافتن آب برای زمینهای کویری، حفر کرده‌اند؛ یا این که، هنگامی که آب جمع شده در پشت سد آسوان مورد استفاده قرار گیرد، منطقهٔ قابل کشت مصر به بیش از یک میلیون جریب افزایش می‌یابد. در یک کتاب کانادایی، اشاره‌ای یک سویه به موفقیتی علمی شده است، جایی که نویسنده خاطر نشان کرده است: ۵۰/۰۰،۵ جریب از زمینهای ساحلی اسرائیل... به زیر کشت درختان پرتقال و گریب فروت رفته است^۲ بدون این که یادآوری کند دراصل، بیش از نیمی از این زمینها پیش از تقسیم سال ۱۹۴۷ [۱۳۲۶ خورشیدی] به دست کشتکاران عرب فلسطینی کاشته شده است. یک استثنای مهم در نادرستیهای این چنین، «پوست» جدیدی است به یک کتاب درسی ایالات متحده که در آن نویسنده مقدار زیادی از پیشرفتهای غیر اسرائیلی خاورمیانه را که ارزشمندترین بُعد برای دبیران و دانش‌آموزان است، بیان کرده است^۳.

1 - Mazour, p. 788.

2 - Ryckman, p. 222.

3 - Mazour, pp. 891-94 and 897-98.

۲ - مردم و توزیع نامناسب ثروت

اگر بیابان را سرزمینی ثروت انگیز و غیر میهمان نواز ترسیم کرده‌اند، مردم خاورمیانه را نیز در بسیاری از کتابهای درسی تحقیر شده، غمگین (در عکسها بدون لبخند)، قربانیان خلقت یا تحت فشار هرج و مرج و اغلب با وجود ثروت باور نکردنی درآمدهای نفتی، بیچاره نشان داده‌اند.

عربها را، مکرر به عنوان بدویان یا میلیونرها در عکسها نشان داده‌اند. کتابهای درسی از شمار بسیار شهرنشینان، طبقات متوسط عرب که در شهرهای بزرگ مانند قاهره و بیروت زندگی می‌کنند، یا خیلی کم یاد کرده‌اند یا از آن چشم پوشیده‌اند.^۱ ایرانیان را تجمل‌گرا^۲، ترکان را ستمگر^۳، مشرک^۴ و «ددمش و متعصب»^۵ معرفی کرده‌اند. عربها را علاوه بر این که بدوی نامیده‌اند، سرسخت^۶، یا «جنگجویان وحشی اسلام»^۷ نیز معرفی کرده‌اند. البته این درست است که این موارد غم، فقر، ثروت، تجمل، ستم و تعصب در خاورمیانه وجود دارد، ولی پوستگی این صفات مشخص به یک ملت یا یک قوم یا یک گروه مذهبی در این کتابهای درسی پیش از اندازه کلیشه‌ای است و بدون تردید به ایجاد یا تقویت تصورات ژرف و پایدار در اذهان دانش‌آموزان جوان می‌انجامد.

توزیع نامناسب ثروت، اگرچه یک مشکل دردناک خاورمیانه، مانند سایر قسمتهای جهان است، اغلب در کتابهای درسی بدون این که به دقت مورد بررسی قرار گرفته باشد، یاد شده است. یکی از نویسندگان با کمی گزافه‌گویی دربارهٔ نفت، آشکارترین دارایی

1 - Rogers, p. 778.

2 - Welty, p. 213.

3 - Wallbank, p. 561.

4 - Magenis, p. 178.

5 - Habberton, p. 137.

6 - Yohe, p. 408; Roselle, p. 710.

۷ - یک کتاب درسی کانادایی: Hardy, p. 322.

اقتصادی منطقه اظهار کرده است: «نفت [زندگانی تمام مردم جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا را دگرگون کرده است]»^۱. او توضیح نداده که چگونه نفت زندگانی را تغییر داده است، تاچه اندازه این درآمدها به توده ها رسوخ یافته، یا تأثیر دولتهای غربی (پیش از سال ۱۹۷۳) [۱۳۵۲ خورشیدی] بر سیاستهای خاورمیانه ای برای دراختیار گرفتن محصول و نرخ ماشین آلات چه بوده است.

نویسندگان دیگر، فقر کشاورزان اجاره نشین^۲، مالا مال بودن شهرها از بیکاران، در همان حال تعداد کمی میلیونر را با لباسهای گشاد و بلند، سوار بر خودروهای گرانبها به رخ کشیده اند. نویسنده ای جامعه عرب را چنین شرح داده است: «اقلیت اندکی بازرگان و زمیندار با ثروت بی نهایت در یک سو و توده عظیمی از کشاورزان اجاره نشین بینوا در دیگر سو قرار دارند»^۳. این نویسنده می بایست این موضوع را با یادآوری پاره ای از کوششهای موفق اصلاحات ارضی در کشورهای عربی همچون مصر، سوریه، عراق و الجزایر می سنجد. این ارزیابیهای نسجیده اقتصادی در بخش خاورمیانه عربی برای این اظهار شده است تا کشورهای عربی را در مقایسه با اسرائیل، با استانداردهای بالای زندگی و دستیابی به تحمیلات بالاتر و آینده روشتر به خاطر فرنگی مآی اش^۴، عقب افتاده و مضحک وانمود کند.

بسیاری از کتابهای درسی حکایت بسیار از این دارند که مشکلات اقتصادی خاورمیانه با پذیرفتن کامل تمدن غربی قابل حل است. آنها این کار را با توصیف اهالی به عنوان غیر غربی، شرقیان تبیل، و اجباراً پای بند به گذشته، نشان داده اند. تفاوتهای دارایی و فقر در ظواهر شهری به گونه ای ضمنی می فهماند که اهالی خاورمیانه فاقد همدردی و شیوه های برنامه ریزی غربی و از این روی ناامید هستند. چنان که یک کتاب درسی آن را نشان داده است: «در حاشیه شهر، کارخانه های جدید شیمیایی و سیمان

1 - Allen, p. 250.

2 - Wallbank, p. 704.

۳- همانجا، ص ۷۰۴-۷۰۳.

۴- همانجا، ص ۷۰۴.

برپاست و محله‌های کثیف با چلبکهای چوبی تکمیل شده است... در جلوی یک پالایشگاه جدید نفت، رنگ‌رزان دسته‌های چوب‌را درون خمهای رنگ‌فرو می‌برند...^۱ - این نویسنده هیچ تحلیلی از یک بیکاری فنی احتمالی در صنعت رنگ‌رزی محلی که یک کارخانه جدید «قریبی» می‌بایست آن را به وجود آورده باشد، ارائه نداده است. دانش آموز می‌پندارد که اگر خاورمیانه، غرب و تکنولوژی آن را (در نفت، کشاورزی و حمل و نقل) بپذیرد، البته در این مورد پیشرفت خواهد کرد.

با این حال، حتی پذیرش غرب به عنوان راه آینده، در بیشتر موارد راه حل فوری برای مشکلات اقتصادی خاورمیانه فراهم نکرده است. بیشتر کتابهای درسی در پاسخ به این که چرا این کشورها تا این اندازه «عقب افتاده» باقی مانده‌اند، قرنهای انحطاط اقتصادی را به عنوان بخشی از دگرگونی‌هایی که پس از حمله صلیبیان، مغولان و ترکان عثمانی، رخ داد مطرح کرده‌اند.^۲ نویسنده ای، گمراهی خاورمیانه جدید را نتیجه تأثیر شروری معرفی کرده، و در یک فصل تحت عنوان «نفوذ روسیه در خاورمیانه افزایش می‌یابد» بیان کرده است که:

«هیچیک از کشورهای خاورمیانه در گرفتن حق مالکیت صنعت و کشاورزی به اندازه شوروی پیش نرفته است. اما بسیاری از آن کشورها، پاره‌ای از صنایع راملی کرده‌اند و زمینهای گرفته شده از زمینداران را بین افراد فقیر فاقد زمین توزیع کرده‌اند. کوتاه سخن، این کشورها صورتهای پراسته شده‌ای از سوبالیسم را معمول کرده‌اند»^۳.

خواننده مطمئن نیست، نویسنده از اصلاحات ارضی متنفر است یا علاقه‌مند به آن است. اما به روشنی تمام عقب افتادگی ناشی از انحطاط روسیه در اقتصاد خاورمیانه را می‌بیند. از بازرسی و کنترل دولتی قسمتهای مهم اقتصادی ترکیه، شاید به خاطر این که ترکان موفق بوده‌اند، بندرت یاد کرده‌اند. اما جمال عبدالناصر را به خاطر ملی کردن صنایع زیادی از مصر و شرکت کانال سوئز به سختی سرزنش کرده‌اند. اگرچه در بسیاری از

1 - Yohe, p. 411.

۲- برای نمونه: Ewing, pp. 285-287.

3 - Platt, p. 691.

کتابهای درسی، اسرائیل یک نمونه برای موفقیت شیوه غربی تهیه کرده است. برنامه ریزی دولتی اسرائیل و کنترل پنهانی اقتصاد آن (از مزرعه‌های اشتراکی یاد نشده است)، یک حرکت دور از سرمایه‌داری کلاسیک نشان داده نشده است. بلکه با گستاخی بیشتر به عنوان یک کار مفید و یک اقتصاد سوسیالیستی تقریباً موفق بیان شده است. بسیاری از کتابهای درسی، اسرائیل را در طبقه‌ای برتر از سایر کشورهای خاورمیانه، بویژه کشورهای عربی، قرار داده‌اند که در این جامی بایست تعبیر رایجی از یک «طرز فکر» یا «ارزش اخلاقی» را مطرح کرده باشند. هیچ نویسنده‌ای اظهار نکرده که اسرائیل حقیقتاً از نظر اخلاقی بالاتر است، اما آنها تقریباً زیرکانه تعصبات سیاسی و مذهبی را انتقال داده‌اند که جهان اسلام را عموماً و عربها را خصوصاً بدنام کرده است. برای نمونه یک کتاب درسی کانادایی، اظهار ثابت نشده‌ای را تکرار کرده است که رهبران عرب برای دور کردن توجه مردم از رنجها و مشکلات وحشتناک خودشان... آگاهانه، خصومت را بر روی اسرائیل متمرکز کرده‌اند، و این که رهبران عرب می‌ترسند «اگر شیوه زندگی اسرائیلی آغاز به رسوخ در میان مردم تحت ستم آنها بکند، کنترل بر مردم را از دست بدهند»^۱. چنین تعصبات و استدلالهای ساده‌گرایی، پیشداوریها را جاودانی می‌کند. این اظهار که اسرائیل پیشنهادهای صلح اعراب را برای آرام کردن گروههای فشار سیاسی داخلی خود، رد کرده است، به همان اندازه ساده‌نگری است. این مطالب مغایر، در کلاس درس دبیرستان، تنها از راه توضیح دادن ممکن است درک شود.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۳- تعصب فرهنگی و کلیشه‌های نژادی

بسیاری از نویسندگان آمریکای شمالی، تعصب فرهنگی بسیاری درباره عرب ابراز کرده‌اند. کتابهای درسی، تقریباً همیشه، لباسهای تمام رنگی عرب (اغلب به نام «لباس محلی»^۱) و مکان طبیعی وی را ترسیم کرده‌اند: جامه‌های بلند، فرهنگ بلوی، مردمی که در حال زندگی می‌کنند ولی یک گذشته تاریک (و در بعضی موارد اصیل) را ارائه می‌دهند. در یک کتاب درسی دبیرستانی دانش‌آموزان می‌آموزند که «یک عرب عمده می‌تواند از دو

راه زندگی کند ... از راه کشاورزی ... یا ... بیابانگردی^۱. از این روی یک کتاب درسی به تقریب کامل این دیدگاه بسیاری از دانش آموزان دبیرستانی کمک می کند که عربهای مدرن، صد و سی و پنج میلیون آنها، واقعاً به همان صورت کلیشه شده در کمدهای تلویزیونی: کودن، عقب مانده و شترانان جفیه به سر هستند.

اما از گذشته های درخشان عرب چه چیزی نشان داده شده است؟ کمتر کتابی درباره قرن گسترش عرب تحت حکومت خلفای اموی توضیح زیادی داده است^۲. بسیاری از این کتابها، قرن هفتم خلالت را نادیده گرفته، گزارش تاریخی خود را با دوران به مراتب رنگیتر عباسیان در بغداد قرن نهم آغاز کرده اند. در یک کتاب درسی، نویسنده اعتراف کرده است که «مسلمانان فلسطین را فتح کردند و سرزمین مقدس را سالهای زیادی در دست نگهداشتند»^۳. می توان پرسید اگر نویسنده با عبارت «سالهای زیادی» نوعی مشروعیت تصرفی را منعکس می کند، به همان اندازه عبارت «تقریباً یک هزار سال» می تواند درست باشد، بویژه از دیدگاه جدال سیاسی امروز بر سر منطقه فلسطین. در کتاب دیگری به اعراب پیش از آنچه محقق هستند، برای گسترش از فرانسه تا چین اعتبار داده شده است: «جنگجویان عرب شهرها را یکی پس از دیگری می گرفتند»^۴. ادعایی که از نیروی اضافی هزاران نومسلمان یونانی، یهودی، بربر، ایرانی و ترک چشم پوشیده است، برخی از نویسندگان ظاهرأ در تجسم میزان گسترش اسلام در شرق دچار اشکال بوده اند. در چند کتاب درسی، اسلام قرون وسطی تنها شامل سه ناحیه با مراکزی در بغداد، قاهره و قرطبه شده است^۵. در این کتابها، به فرهنگ گسترده تمدن اسلامی در شرق رودخانه دجله کمتر توجه شده است. یک نویسنده کانادایی اوج فرهنگی جهان اسلام قرون وسطی را کلیشه وار

1 - Allen, p. 242.

۲ - برای نمونه گزارشهای کم مایه ای در منابع زیر وجود دارد:

Kolevzon, pp. 522-23; Mazour, pp. 253-54.

3 - Wann, p. 73.

4 - Yohe, p. 129.

5 - Mazour, p. 254; Platt, p. 148.

در شبهای عرب باسندباد، علاءالدین وعلی بابا و رباعیات عمر خیام^۱ خلاصه کرده است. صلاح الدین [ایوبی]، قهرمان خاورمیانه را برخی نویسندگان و الاثرین نماینده تعبیر تعالیم اجتماعی اسلام («انسانیت، بخشندگی و سخاوت سلطان صلاح الدین کبیر»^۲) ترسیم کرده اند. از نظر این کتابها، صلاح الدین مسلمان خوبی بود درحالی که مسلمانان دیگر «فاتح» بودند^۳. یک کتاب درسی از روی بی دقتی وی را «سلطان ترکان» خوانده است^۴. درحالی که وی درحقیقت کُرد بود کتابی دیگر از کانادا، به نادرستی وی را به عنوان کسی که از مکه در برابر نیروهای مسیحی دفاع می کرد توصیف کرده است^۵. احتمالاً توصیفهای نویسندگان از صلاح الدین «قوی و نجیب»^۶ بیانگر یک تعصب مذهبی است که با استفاده از وی می خواهند با اختلافی ربی ادبی بی دلیل سایر جنگجویان اسلام را مطرح کنند. برخی از نویسندگان، مظاهر سیاسی قرون وسطی اسلام را به شکلی بسیار منفی شرح داده اند که به چشم پرشی از جنبه های مثبت بسیار آن کمک کرده اند. در یک تحلیل، نویسنده ای اظهار کرده است که مسلمانان «رسوم عربی چندی مانند برده داری و تنزل مقاوم زن را» پذیرفتند، بدون این که با آوردن شرحی درباره دگرگونیهای انجام شده در ازای هفت قرن از سوی دستورات قرآن درباره مهربانی با برده ها و حقوق زنان، آن را توصیف کند یا آن را با جریانات همزمان اروپای مسیحی مقایسه کند. سپس همان نویسنده ادعا کرده است که خداوندان نیمی از دنیای شناخته شده «بندرت چیزی بیش از فاتحان خشن - یا در بهترین وضعیت مردان تجارت یا امور عام المنفعه»^۷ بودند. وی برای طرد فرهنگ اسلامی

1 - Lavender, p. 358.

2 - Welty, p. 203.

3 - Yohe, p. 187.

4 - Welty, p. 203.

5 - Lavender, pp. 343-51.

6 - Yohe, p. 187.

7 - Wallbank, p. 185.

به عنوان فرهنگی کهنه، تمدن اسلامی قرون وسطی را با یونانیان بیزانس مقایسه کرده است: «تمدن اسلامی مانند تمدن امپراتوری بیزانس فاقد توان پرورش نبوغ بود^۱». در حالی که بسیاری از صاحب نظران استدلال خواهند کرد که این تمدنها هر دو در مقایسه با اروپای غربی در طول قرنهای زیادی از لحاظ فرهنگی پیشرفته بودند. البته این نویسند بخش‌ی را تحت عنوان «مسلمانان تمدنی پیشرفته آفرینند^۲»، گنجانده است که در بسیاری موارد، درست و بسیار مفصلتر از معمول است. با وجود این، اظهارات تحسین وی به تقریب تعصب کهن کمک کرده، ممکن است سبب نبرد دانش آموز و دبیر «پشرفت» تشریح شده بعدی در سخن و تصویر را نادیده انگارد. متأسفانه اظهارات طولانی درباره فرهنگ نرون وسطایی اسلام، این گونه نشان می‌دهد که این تمدن غیرعادی بوده است؛ بیشتر نویسندگان، تاریخ مردم مسلمان را پس از دوران آخر عباسیان، از قرن دهم، یعنی یک تمدن هزار ساله را با حذف کردن یا ساده نگری، طرد کرده‌اند^۳.

این نویسندگان، سایر مردم خاورمیانه را نیز در کنار عربها در قالبهای از پیش تعیین شده جای داده‌اند. کتابهای درسی از تاریخ ایران و دوران باستانی آن و عظمت نرون وسطایش یا به سرعت گذشته، یا آن را حذف کرده‌اند. شیوه کارآمد دیگر، اختصاص دادن تنها یک صفحه به ایران باستان^۴ و یک پاراگراف به ایران قرون وسطی است^۵. دانش آموزان در این کتابها ایران را در درازی دوازده قرن تلاش مصدق نخست وزیر برای «ملی کردن»^۶

۱- همانجا، ص ۱۸۷.

۲- همانجا، ص ۱۹۲-۱۸۷.

۳- یک استثناء برجسته در این مورد Petrovich، ص ۹۳-۲۲۵، همینطور Savard است که چند جلد کتاب درسی فرانسوی زبان کانادایی را نوشته است و در آنها، این دوران را با اشتباه‌های اذکی به خوبی آورده است.

4 - Wallbank, p. 57.

۵- همانجا، ص ۱۹۰.

۶- این کلمه، احتمالاً برای مقاصد آموزشی، در Roselle، ص ۷۱۴ با حروف ابراینیت نوشته شده

نفتشان، مطالعه می‌کنند. ایرانیان به رهبری این «افراطی متعصب» که در ۱۹۵۳^۱ [۱۳۳۱ خورشیدی] یک بحران اقتصادی برای شرکتهای نفت بریتانیا به وجود آورد، سرگردان شدند.^۲ این نویسندگان تذکر نداده‌اند که این کارها همگی در محدوده قوانین مشروطه ایرانی انجام شد. کتاب درسی دیگری از «برنامه سوسیالیست» مصدق^۳ و به شیوه‌ای ضمنی از اقدام غیرمسئولانه شاه در ملی کردن برخی از صنایع سخن گفته است.^۴

وقتی کسی سهم مهم ترکان در تاریخ و فرهنگ خاورمیانه و روابط بسیار نزدیک میان امپراتوری عثمانی و تاریخ اروپا را مورد رسیدگی قرار می‌دهد، درمی‌یابد که به ترکان هم مانند ایرانیان کم پرداخته شده است. بیشتر کتابهای درسی، بطور عجیبی سلجوقیان را بانی دستگاه آموزشی مدرسه (دانشگاه) و مسؤول سازمان‌دهی دستگاه بی مانند ترکی اجاره داری زمین، دانسته‌اند. درعین حال که نویسنده‌ای آنان را «مردمانی بی سواد»^۵، یا با تلقی مباحیان، «با بیرحمی بیار» در جنگهای صلیبی توصیف کرده است.^۶ برخی از نویسندگان، هنوز بر مذهبی نامیدن اروپای مسیحی در جنگهای صلیبی تأکید کرده و به انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی برای تسخیر سرزمین مقدس توجه کمی کرده‌اند. به همین شیوه برخی از نویسندگان حکومت عثمانیان را «ستمگرانه»^۷، «پایمال کننده»^۷،

شود. شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ - عیناً همین تاریخ آورده شده است، درحالی که تاریخ صحیح آن سال ۱۳۲۹ خورشیدی / ۱۹۵۱

میلادی است. م.

2 - Wallbank, p. 703.

3 - Neill, p. 898.

۲ - همایا، ص ۸۹۹.

5 - Wallbank, p. 187.

6 - Black, p. 172.

۷ - همایا، ص ۴۳۸.

«تجاوزکارانه» و «جانورخوی»^۱، اما همچنان «قوی»^۲ تشخیص داده اند. یک نویسنده کانادایی ینی چریهارا «گمنام» و فرزندانش خراج مسیحی^۳ و «همچون مسلمانان متعصب»^۴ نامیده است. کتاب درسی کانادایی دیگری، ترک را به عنوان «بربر» و «وحشی»^۵ ترسیم کرده است. از این روی کمی تعصب مذهبی به تصویر افزوده است. شمار کمی از نویسندگان، اهمیت امپراتوری عثمانی را از قرن شانزدهم، از سلیمان کبیر تا جنگ جهانی اول، توصیف کرده اند. مگر آن که آن کشور همچون یک دشمن برای حمله از غرب به داردانل، قسطنطنیه و سرزمین مقدس عمل کرده باشد. این نویسندگان، به جز یک کانادایی^۶، تقریباً هیچ چیز از تاریخ سده های اخیر ترکان عثمانی ترسیم نکرده اند. از نویسندگانی که منبع آگاهی شان عمده از تاریخهای اروپایی ناشی شود، نمی توان انتظار داشت که نکات ارزشمندتری درباره امپراتوری بزرگی که ششصد سال در جنوب شرقی وین قرار داشت، بیابند.

بیشتر این نویسندگان طبیعتاً از تاریخ (اخیر) کشور اسرائیل آگاهتر بوده اند و به کشور موفق صهیونیست توجه کانی کرده اند و در بیشتر موارد آن را کاملاً ستوده اند. نمونه ای از این توجه، یک کتاب درسی استاندارد شده است که در آن مهارت و نبوغ یهودیان جهانیان را حیرت زده کرده است^۷: مردم این کشور، باسواد، بسیار ماهر و سخت متعهد هستند. در سالهای پس از استقلال آنان به پیشرفت قابل ملاحظه ای دست یافته و از بالاترین استاندارد زندگی در خاورمیانه بهره مند شده اند^۸. اجازه بدهید به کوتاهی، این آمیختگی

۱- همانجا، ص ۴۴۰.

2 - Wallbank, p. 187.

۳- ظاهراً اشاره نویسنده به سپاه برگزیده قدیم عثمانی است که از قرن ۸ هـ. ق. / ۱۴ میلادی به بعد، از جوانان مسیحی به گروگان گرفته شده یاب به عنوان خراج دریافت شده، تشکیل می شد. البته بعدها عضویت در این سپاه جنبه موروثی یافت و ینی چریها از قدرت بسیاری برخوردار شدند. م.

4 - Hardy, p. 494.

5 - Earl, p. 200.

6 - Hardy.

7 - Wallbank, p. 609.

۸- همانجا، ص ۷۰۴.

خیال و واقعیت را تحلیل کنیم. واقعیت این است که کشور اسرائیل از زمان استقلال تاکنون به پیشرفت قابل توجهی دست یافته است. این نویسنده در ادامه مقایسه پیشرفت (استاندارد زندگی) اسرائیل نسبت به کشورهای غیراسرائیلی منطقه، عقیده خود را به میان آورده (و تصورات کلیشه ای را جاودانی کرده است). احتمال می رود نویسنده در این جا چیزهایی مانند نرخ سرانه خانه، اتومبیل، تلفن یا برنامه های تلویزیونی را مقایسه کرده باشد. با وجود این، نمونه هایی از ثروت زیاد، باسوادی، حتی برنامه های تلویزیونی و تلفن در بسیاری از کشورهای غیراسرائیلی خاورمیانه (برای نمونه، قسمتهای از ترکیه، ایران و لبنان) وجود دارد. استنباط دانش آموز با دبیر از یک چنین تحلیلی ممکن نیست آن کتاب درسی را جز یک تصویر جانبدارانه، به عنوان حقیقتی صحیح به شمار آورد. چنین تحلیلی، هنگامی که بهترینهای اسرائیل، با حذف دشواریها و نارساییهایش، با بدترینهای کشورهای همسایه اش مقایسه شده، می تواند ماهیت سایر کشورهای خاورمیانه را مبهم سازد. ایروپلی با بالاترین درآمد سرانه در خاورمیانه (یا جهان، از این نظر) می بایست با وضع نامساعد اسرائیل مقایسه شده باشد. اما به چه منظوری؟ این اغوا در این جا به منظور تعیین برخی از انواع پیشرفت و کامیابی در یک کشور کوچک بسیار تخصص یافته، انجام شده است و همزمان از پیچیدگیهای اجتماعی و اقتصادی تمامی کشورهای خاورمیانه، از جمله اسرائیل، چشم پوشی شده است. این شیوه تنها می تواند دانش آموزان و آموزگاران را به یک دید غیر پژوهشگرانه و ساده نگرانه نسبت به دشواریهای هولناکی که رهبران و مردم این منطقه با آن روبه رو هستند، رهنمون شده.

۴ - تعصب مذهبی و کلیشه ها

نویسندگان که گاه اسلام را به عنوان یک دین تقریباً جدا از جادوگری و مسیحی گری مورد بحث قرار داده اند و با نشان دادن برخی عادات عجیب و غریب مسلمانان به پیوستگی اسلام با دو دین سامی پیشین اشاره کرده اند. راجرز که بیشترین تحلیل درست مقایسه ای از مسیحیت و اسلام را دربر دارد. یک استثناست^۱. خوشبختانه تصور قدیمی از اسلام

به عنوان یک بدعت مسیحی از میان رفته است و بسیاری از کتابهای درسی به درستی این مذهب را «اسلام» نامیده اند (اگرچه هنوز بعضی از اصطلاح گمراه کننده «مذهب محمدی» استفاده کرده اند).^۱ بیشتر نویسندگان به درستی اصول اساسی اسلام را شرح داده اند، اگرچه گه گاه از روی بی دقتی، تنها چهار تا از «اصول پنجگانه» را بر شمرده اند.^۲ نویسنده ای در توضیح نماز گزار، بی اعتنا نسبت به چهار صد میلیون مسلمان غیر عرب، اسلام را با مذهب واقعی عرب بیابان یکی دانسته و بدون در نظر گرفتن صد میلیون مسلمان شهری و اسکان یافته، حماسه سروده است: «در خانه های چادری بیابانیشان، با کاروانهایشان، بر روی زمینهای بایر ریگ رفته، برای کسی که پیرو راستین تاله بشد جا مهم نیست، او سجاده اش را پنج بار در روز می گسترد و برای ادای نماز روی به مکه می کنده».^۳

هیچ نویسنده ای دشمنی خود را نسبت به اسلام آشکارا نشان نداده است، با وجود این، رفتار عجیب برخی از مسلمانان را، بدون هیچ کوششی در توضیح آن، یاد کرده اند: «یک آخوند، می بایست یک آیه قرآنی را بر روی کاغذ بنویسد، جوهرش را بشیرید و به مریض، جوهر و آب آن را به عنوان دارو بخوراند».^۴ به جز این توصیف، تنها چیزی که این نویسنده از یک «آخوند» در ذهن دارد همان اظهاری است که اعمال اسلامی را توضیح داده است و تقریباً از نظر روشنی شبیه به یک داستان خیبری جدید درباره استرکتین نوشیدن اعضای فرقه پروتستان است که به وسیله آن بخواهد باورهای مسیحی گری را توضیح دهد. این کتابهای درسی توجه دانش آموزان را به یک بهشت مذکر فرا خوانده اند و این بارر را که زنهای مسلمان دارای «مقامی پست تر» هستند، تقویت کرده اند.^۵

1 - Hardy, p. 322; Brown, p. 254; Thralls, p. 163; Magen, p. 163.

2 - Mazour, p. 253; Fishwick, p. 225.

کتاب اخیر، یک کتاب درسی کانادایی است.

3 - Rogers, p. 158.

4 - Ewing, p. 294.

5 - Wallbank, p. 185.

اگرچه پاره‌ای از این سخنان درست است، این نویسندگان بیشتر اشتباه‌ها را منعکس کرده و تقریباً همیشه پیش‌پندارها را تکرار کرده‌اند. در چنین مواردی از بارهای مذهبی، نویسندگان می‌بایست توضیحی دقیق و پژوهشگرانه ارائه بدهند یا این مطالب را مستثنی کنند. ما پیشتر یادآوری کردیم که آن کتاب درسی کانادایی «جنگجویان وحشی اسلام»^۱ را شرح داده است. در یک کتاب درسی ایالات متحده آمده است که اسلام «دین ملایمی نیست»^۲ که بدین وسیله این را رسانده است که سایر ادیان مذهبی ملایم هستند، یا این که جنگجویان اسلام کسانی را که قرآن را نمی‌پذیرفتند، قتل عام می‌کردند. این نویسنده در توضیح روش اسلام در برخورد با مردم مغلوب «اهل کتاب» (مسیحیان و یهودیان) که در حقیقت سالها تحت حمایت مسلمانان بودند، کاملاً درمانده است (بخش مهمی که یک نویسنده در یک پاراگراف درستی آن را باز شناخته است)^۳.

اشتباهات جزئی در چگونگی امر و تفسیر اسلام مانند آنچه در زیر می‌آید، دسته دسته موجود است: عربها تحت یک مذهب رایج اسلامی متحد شدند^۴. در صورتی که همه عربها مسلمان نبودند و اقلیت نسبتاً بزرگی مسیحی بودند؛ صوفیگری بیش از آن که نوعی خیزش باشد به عنوان شاخه‌ای از اسلام معرفی شده است^۵ و خلیفه پیش از آن که جانشین سیاسی و زمینی محمد (ص) باشد، «بالاترین قدرت مذهبی» نشان داده شده است^۶. ادعای دیگر این است که: امروزه اسلام از سوی «خلیفه و سایر رهبران مذهبی ای اداره می‌شود» که در قاهره یکدیگر را ملاقات می‌کنند و درباره خط مشیها تصمیم گیری می‌کنند^۷. در حالی که واقعیت این است که خلافت سرانجام در ۱۹۲۴ [۱۳۰۳ خورشیدی] از میان رفت و

1 - Hardy, p. 322.

2 - Carls, pp. 81-82.

3 - Wallbank, p. 185.

۴ - همانجا، ص ۶۰۸.

5 - Ewing, pp. 282-83.

۶ - همانجا، ص ۲۸۳.

7 - Durand, p. 287.

امروزه اسلام هیچ رهبر پذیرفته شده جهانی ندارد.

۵- منافع ایالات متحده در خاورمیانه

کتابهای درسی معمولاً درباره هم‌پیمانان ایالات متحده در خاورمیانه آگاهیهایی بی طرفانه‌ای ارائه داده‌اند. به کشورهای عربی هواخواه غرب اندکی کمتر از کشورهای مخالف غرب توجه شده است. حمایت کلی از «رژیمهای دموکراتیک» (که بطور ضمنی به عنوان دوستان آمریکا تفسیر شده است) بیشتر حمله‌ای غیرمستقیم به «رژیمهای غیردموکراتیک» (مخالفان آمریکا) است.

در پاره‌ای کتابهای درسی، اسرائیل معیار سنجش دموکراسی قرار گرفته است: «از تمام ملل دنیای [جغرافیایی] اسلام اسرائیل از همه دموکراتیک‌تر است»^۱. برای دانش‌آموزان چنین عبارتی می‌تواند این گونه تعبیر شود که مذهب اسلام با دموکراسی ناسازگار است. به علاوه این اظهار، دموکراسی موجود در کشورهای مانند ترکیه و لبنان را نادیده گرفته و البته از احساسات شهروندان عرب اسرائیلی درباره آزادیهای دموکراتیک که در پاره‌ای موارد با آزادیهای شهروندان یهودی آن کشور متفاوت است، چیزی نگفته است. در مورد قانون اساسی اسرائیل، نویسنده‌ای اظهار کرده است: «لایحه قانونی‌ای است که بسیار به قانون اساسی ما شبیه است»^۲. در حالی که درحقیقت هنوز اسرائیل وجود قانون اساسی را که نشانه دموکراسی است و بسیاری از کشورهای خاورمیانه، چه دوستان و چه دشمنان آمریکا، به کار گرفته‌اند، پذیرفته است.

این کتابهای درسی، دلایل گوناگونی را برای تیرگی روابط میان ایالات متحده و رژیمهای خاورمیانه یافته‌اند. بسیاری از کتابهای درسی تنها بطور غیرمستقیم به کشمکشهای اقتصادی بزرگ قرن بیستم درباره منافع ایالات متحده در خاورمیانه مانند: نفت، حقوق هوایی، روابط تجاری و مؤسسات آمریکایی در این منطقه اشاره کرده‌اند: درحالی که این نویسندگان علل مشکل را در جای دیگری جستجو کرده‌اند. از نظر آنان یک علت مخالفت

1 - Kolevzon, p. 552.

2 - Rogers, p. 760.

اعراب با قدرت غرب به نمایندگی اسرائیل بوده است. برابر یک کتاب درسی، مصر به سختی با تأسیس اسرائیل مخالفت کرده است، بخشی از این مخالفت به خاطر «پدیدار شدن درباره کینه قدیمی اسلام نسبت به کافران بوده و بخش دیگر به سبب این حقیقت بوده است که برای مسلمانان، یهودیان نماینده یک قدرت غربی هستند»^۱. این سخن یک اشتباه مضاعفی را تکرار کرده است. زیرا قرآن به ویژه یهودیان را از جمله مردمی که تحت حمایت اسلام هستند، شناخته است و دیگر این که برخی کشورهای مسلمان مانند ترکیه و ایران^۲ موافق به رسمیت شناختن اسرائیل هستند.

مهمتر آن که، نویسنده از کلیشه غیر محققانه ای درباره مسلمانان مانند تنفر مذهبی داشتن از «یهودیان کافر» آغاز کرده و به شناخت بسیار درستی از اعراب (مسلمان و مسیحی) روی آورده است که به یهودیان به چشم بیگانه ای در سرزمینشان نگاه می کنند.

از دیدگاه این نویسندگان، علت دیگر ناآرامی، جنگ سرد بوده است: کارگزاران شوروی، از زمانی که این کشور با حکومت‌های هواخواه غرب مخالفت کرده است، به نظر درگیر سیاست‌های خاورمیانه می رسند^۳. در این جا تصاویر، روابط نزدیک را نشان داده اند: ناصر و خروشچف^۴، انور سادات و پادگورنی^۵. اما به آزادی عمل سیاسی ای که شوروی تاکنون به دولتهای عربی که نیاز به کمک نظامی داشته اند، داده، توجه نشده است.

سومین دلیل ناآرامی در خاورمیانه که مورد انتقاد برخی از نویسندگان قرار گرفته است، ناسیونالیسم و مشکلات همراه آن بوده که برای ایالات متحده و سرمایه گذارهای مالی آن کشور، دشواریهای فراهم آورده است. «برای درک مشکل آفریقای شمالی و خاورمیانه ما نیازمند شناخت ناسیونالیسم عرب هستیم»^۶. درحقیقت، این نویسنده این گونه

1 - Ewing, p. 308.

۲- باتوجه به تاریخ این پژوهش، منظور رژیم گذشته ایران است. م.

3 - Mazour, p. 788.

4 - Rogers, p. 647.

۵- همانجا، ص ۷۷۷.

6 - Yohe, p. 389.

ادامه داده که مشکل اصلی، ناسیونالیسم مصری بوده است. در حکومت «ناصر، مردم و دولت مصر به شدت ناسیونالیست شدند» و در نتیجه «گروه‌های بزرگی از اروپائیان ... تشویق و گاهی مجبور به ترک آن کشور شدند»^۱. در پاره‌ای از کتابهای درسی، پرزیدنت ناصر، حقیر شمرده شده است: «مصر، کشوری عربی است با حکومتی که از سوی یک افسر سابق ارتش اداره می‌شود»^۲؛ و کتاب درسی دیگری مبالغه‌شده مشهور رئیس جمهور مصر را یادآوری کرده است: «آمریکائیان: از خشم خفه شوید»^۳. هیچ‌یک از دلایل یادشده به اندازه تأثیر ناسیونالیسم در خاورمیانه به نوعی کینه‌خواهانه بر منافع واگذار شده و مشروع ایالات متحده حقیقت نداشته است. حال آن‌که این مسئله، واکنش اعراب نسبت به ناسیونالیسم پیشین اروپایی است که به صورت امپریالیسم (سلطه بر سرزمینهای عربی و سیستم قیمومیت) ظاهر شده است. اگر آنچه که اعراب از خشونت، استبداد و فعالیتهای نامشروع تهاجم ناسیونالیست یهود (صهیونیست) در فلسطین احساس کرده‌اند، به شیوه‌ای یکسان مقایسه شود، آنگاه به نظر می‌رسد که زور، استبداد و مصادره نامشروع دارایی که از سوی عربها انجام شده و آن‌گونه تکان‌دهنده به نظر آمده است، قابل درک باشد. دانش‌آموزان نمی‌توانند واژه‌هایی مانند «امپریالیسم» و «دولت مهاجر استعمارگر» را که اعراب بر ضد اسرائیل به کار برده‌اند، درک کنند، مگر این‌که این موضوعها، به روشنی و بیطرفانه در کتابهای درسی آنان مطرح شود.

۶- جنگهای سه گانه اعراب و اسرائیل

کتابهای درسی بندرت تصویر بی طرفانه‌ای از جنگ ۱۹۴۸-۱۹۴۷ [۱۳۲۷-۱۳۲۶ خورشیدی] اعراب و اسرائیل که به تأسیس اسرائیل منجر شد، ارائه داده‌اند. آنها بیشتر انتقاد کرده‌اند و کمتر تصاویر بی طرفانه‌ای که شامل نظر سوم بی طرفی باشد، به دست داده‌اند. کمتر نویسنده‌ای این وقایع را به استقرار مهاجران اروپایی در سرزمین جدیدی که

۱- همانجا، ص ۴۱۳.

2 - Lee, p. 70.

3 - Platt, p. 692.

بیشتر از سوی اعراب آباد شده بود، مربوط کرده است. هیچ یک از کتابهای درسی همراه پروژهای صهیونیستها در ۱۹۴۸ [خورشیدی ۱۳۲۷] رنجی را که فلسطینیان عرب متحمل شدند، مانند کشتار دهکده دیر یاسین، بیان نکرده است. بدین ترتیب برای دانش آموز و دبیر برقرار کردن موازنه مشکل است. کتابهای درسی معمولاً روی اشتباه‌هایی که فلسطینیان انجام داده (با رنجی که صهیونیستها در کشتار گاه‌های نازی تحمل کردند)، تأمل کرده‌اند، درحالی که از کشتار از پیش تعیین شده‌ای که نماینده صهیونیستها در سازمان ملل، کنت برنادت^۱، انجام داد، چیزی بیان نکرده‌اند. در واقع چند نویسنده با به کار بردن فعل مجهول، دانش آموزان را به داشتن این تصور هدایت کرده‌اند که این کشتار کار فلسطینیان بوده است^۲. به همان ترتیب نویسنده‌ای، بیش از یک میلیون پناهنده جنگی را، (مسأله‌ای که کشور جدید اسرائیل را آزار می‌دهد)^۳ ترسیم کرده است که از آن می‌توان چنین نتیجه گرفت که این موضوع مشابه مسأله دیگری مانند تهیه آب لوله کشی برای این کشور جدید است. کمتر نویسنده‌ای مسأله پناهندگان فلسطینی را اساس هر توافق صلحی دانسته است و اغلب مانند یک نویسنده کانادایی اظهار کرده‌اند که چقدر اسرائیل در مورد جذب مهاجران یهودی عاقلانه برخورد کرده است، درحالی که اعراب از پذیرفتن فلسطینیان سر باز زده‌اند^۴. چقدر درست بود که در همین مورد توضیح داده می‌شد که از روی تصادف، خانه و وطن فلسطینی آواره همان نقطه‌ای از زمین است که در حال حاضر از سوی یهودی مهاجر اشغال شده است.

علل جنگ سوتز در ۱۹۵۶ [خورشیدی ۱۳۳۵]، در بیشتر کتابهای درسی مبهم و گوناگون ذکر شده است. در یک کتاب مطرح شده است که به هیچ وجه حمله‌ای به مصر نشده و جنگ «در گرفته است»^۵. یک کتاب کانادایی، علت جنگ را برابر خراسته اسرائیل

1 - Count Bernadotte.

۲- برای نمونه: Rogers, p. 759; Welty, p. 228.

3 - Mazour, p. 788.

4 - Swatridge, p. 350.

۵- هر سه جنگ اعراب و اسرائیل در این کتاب درسی «در گرفته است»: Yohe, p. 403.

«برای پیشگیری از حمله‌های شبه چریکی [فلسطینیان] به ویژه در ناحیه‌ی خالی از سکنه‌ی غزه» ذکر کرده است.^۱ اما به حمله‌ی نوریه ۱۹۵۵ [۱۳۳۴ خورشیدی] اسرائیل به پایگاه نظامی غزه که منجر به تجدید بنای نظامی مصر شد، اشاره‌ای نکرده است. علت بلافاصله جنگ در یک کتاب درسی ایالات متحده، تصرف کانال سوئز از سوی پرزیدنت ناصر ذکر شده است.^۲ درحالی که نویسنده دیگری اظهار کرده است که عمده‌ی ملی کردن شرکت کانال سوئز سبب شد که «اسرائیل، انگلیس و فرانسه، حمله‌ای نظامی ترتیب دهند».^۳

یک کتاب درسی کانادایی، کار ناصر را «یک لاف تحکم‌آمیز»^۴ معرفی کرده است. به هر روی حقایق چندی آشکار شده است اما بدون در نظر گرفتن نقشه‌ی تشریح شده‌ی پنهانی سه دولت [اسرائیل، انگلیس و فرانسه]، تا به ناصر «دیکتاتور مصری» نسبت داده شود، همچنان که ایدن^۵ نامیده است. با چنین تحلیلهای ساده‌گرایانه‌ای ممکن است برای دانش‌آموزان این سوال مطرح شود که چرا پرزیدنت آیزنهاور^۶ در اواسط جنگ سرد، چنین دیدگاه مخالفی، همسر با اتحاد شوروی برگزید تا سه دولت طرفدار آمریکا را وادار به ترک مصر کند. در پاره‌ای از کتابهای درسی آمده است که جنگ شش روزه ژوئن ۱۹۶۷ [۱۳۴۶ خورشیدی] «در گرفت»^۷. یک کتاب درسی^۸ و یک «پوست»^۹ افزوده شده‌ی اخیر به چاپ جدیدی از یک کتاب قدیمی^۹، آشکارا به پیش‌دستی اسرائیل در حمله به مصر اشاره کرده

1 - Swatridge, p. 353.

2 - Jackel, p. 121.

3 - Wallbank, p. 703.

4 - Reid, p. 477.

۵ - ظاهرآ منظور نویسنده آنتونی ایدن (Eden) سیاستمدار بریتانیایی است که از سال ۱۳۱۰ خورشیدی / ۱۹۳۱ به بعد مکرر وزیر امور خارجه آن کشور بود و در سال ۱۳۳۴ خورشیدی / ۱۹۵۵ به نخست‌وزیری رسید. م.

6 - Eisenhower.

7 - Cooper, pp. 66-69; Yohe, p. 408.

8 - Alweis, p. 648.

9 - Mazour, p. 897.

است. بیشتر نویسندگان نظر اسرائیل را اظهار کرده‌اند، مبنی بر این که جنگ زمانی شروع شد که پرزیدنت ناصر دستور خروج نیروهای سازمان ملل را از مصر صادر کرد و خلیج عقبه را به محاصره درآورد^۱. در یک کتاب درسی، اتحاد شوروی از تمایل ناصر برای نابودی اسرائیل پشتیبانی کرده است که^۲ فرض نادرستی است. همان گونه که در ذکر دو جنگ نخست، سرپوش گذاشتن بر نقش حمله‌های تحریک‌آمیز اسرائیل به اردن و سوریه، برای دانش‌آموزان چشم‌پوشی از پیچیدگی وضعیت را آسان ساخت است، در این جنگ نیز تمام مسؤلیت به دوش دولتهای عربی به ویژه پرزیدنت ناصر انداخته شده است. نویسندگانی که به این قرار، نسبت به هر دو طرف به خوبی یا بدی داوری اخلاقی کرده‌اند، نسبت به دبیران و دانش‌آموزان کاری غیر عادلانه انجام داده‌اند. نویسندگان کتابهای درسی، باید به جای انتقاد صرف، علل اساسی درگیری را شرح دهند، نظر دو طرف درگیر را شرح داده، بگذارند دانش‌آموزان خود تصمیم بگیرند که چه کسی به حق رفتار کرده است.

۶ - نتیجه

«کمیتة بررسی دربارهٔ تصور خاورمیانه در دبیرستانها وابسته به انجمن مطالعات خاورمیانه، کتابهای درسی دبیرستانی را در ایالات متحده و کانادا مورد ارزیابی قرار داد. زیرا گمان می‌رفت خطاها و مطالب نادرستی در آن وجود داشته باشد. این کمیتة در بسیاری از کتابهای درسی نه تنها نادرستی بلکه جانبداری نیز یافت. این مراد اغلب در مورد اسلام و جهان عرب، زمانی رخ داده است که نویسندگان غرضهای پنهانی خود را که با پژوهش غیردقیق، ضعف نویسندگی و چاپ نامناسب همراه شده است، آشکار کرده‌اند. در کتابهای به اصطلاح درسی «تاریخ جهان» که اهمیت خاورمیانه در مقایسه با سایر قسمتهای جهان، با کم کردن صفحه‌هایی که مناسب منطقه بوده، کم شده است، جانبداری رخ داده است. اشارهٔ شتابزده در کتاب درسی اغلب به معنای اشارهٔ شتابزده در کلاس است. برای خوانندگان این کتابها، خاورمیانه به جای یک منطقهٔ اصلی در تاریخ جهان، یک موضوع

1 - Roselle, p. 717.

2 - Neill, p. 901.

فرعی شده است .

برخلاف شماری از کتابها که اشتباهها و تعصباها را آشکار کرده اند، پاره ای از کتابهای درسی، گزارشهای محققان و کاملی ارائه داده اند که می تواند به شیوه جالبی به معلمان و دانش آموزان آگاهیهای درستی ارائه دهد. تعدادی از آنها را محققانی که متخصص خاورمیانه بوده اند، نوشته یا ویرایش کرده اند. برای سالهای اول دبیرستان، گزارشهای خواندنی بسیار خوبی در مورد مردم و فرهنگهای خاورمیانه در کتاب باچر^۱ و رندال^۲ آمده است. در حالی که کتاب *The Middle East* نوشته آن^۳ خلاصه گزارش قابل درکی درباره گرایشهای انسانی همراه با مجموعه های جالب عکس ارائه داده است که برای از میان بردن تصویرهای نادرست از خاورمیانه طرح شده است. برای سالهای بالای دبیرستان، پرتز^۴ در دو جلد، آگاهیهای حقیقی و خواندنیهای به خوبی برگزیده شده ای را به شکلی ملموس ارائه داده است. کتاب جلد کاغذی ارزان و کاملاً معتبر دیگر (تکو^۵)، برای دانش آموزان پیشرفته مناسب است. در میان کتابهای درسی معتبر، کتاب پتروویچ^۶ از مردمان صدر اسلام، تصویر بسیار خوبی ارائه داده است. سنناوریانوس^۷، خلاصه درجه یکی از خاورمیانه نوین عرضه کرده است. دو کتاب درسی کانادایی: کار سه جلدی ساوارد^۸ به زبان فرانسو و کار کالتارد^۹ به انگلیسی، به نظر برجسته می رسند. فورمن^{۱۰} در داستانی کوتاه تلاش کرده است تا به خوانندگان جوان وضع دشواری را که دو پسر بچه، یک فلسطینی و

1 - Bucher.

2 - Randall.

3 - Anon.

4 - Peretz.

5 - Tachau.

6 - Petrovich.

7 - Stavrianos.

8 - Savard.

9 - Coulthard.

10 - Forman.

یک یهودی، با آن رویه رو هستند، نشان دهد. این دو در سالهای نخست درستان صمیمی بودند درحالی که در اثنای جنگ ۱۹۴۸ دشمنان سرسختی شدند. یک کتاب جغرافی بسیار خوب برای دبیران و دانش آموزان، کتاب جلد کاغذی کلرلند^۱ است که توضیح فشرده، سنجیده، سالانه اصلاح شده‌ای از مطالب سیاسی و اجتماعی ارائه داده است. یک عیب این کتاب آن است که حدود جغرافیایی آن شامل کشورهای شمال آفریقا نشده است.

با این که کمیته بررسی درباره تصور خاورمیانه در دبیرستانها، به ارزیابی مسأله تعصب در کتابهای درسی مدارس ادامه خواهد داد، هم اکنون قادر است به برخی نتیجه گیریها برسد. همان گونه که یکی از اعضای کمیته مطرح کرده است: «نتیجه کلی ای که کسی از راه مطالعه این کتابهای درسی می گیرد این است که، تعصب و غرض آگاهانه وجود ندارد، بلکه بیشتر ناشی از کمبود آگاهی و درک کامل از خاورمیانه و تمدن چند رویه آن و نیروهایی بوده است که امروز در آنجا دست اندرکار هستند». همچنین این کمیته دریافت که همانند کتابهای درسی که کمبود اطلاعات را نشان می دهند، بسیاری از دبیران دبیرستانی نیز بنا بر اعتراف خودشان، باید مطالب اسلام قرون وسطی یا مسائل خاورمیانه نوین را بدون آموزش رسمی، تفسیر کنند.

درحالی که کتاب درسی و دبیر هر دو در این زمینه ضعیف هستند، چگونه می توان از دانش آموزان انتظار داشت که وقایع پیچیده ای را که در خاورمیانه روی می دهد، درک کنند و سال به سال به پیش روند؟ البته ناشران و نویسندگان را باید به نیاز محققان قابل اطمینانی در نوشتن و بازنگری و نو کردن به هنگام کارشان در تهیه راهنماها یا پیوستهای ارزان قیمت برای دبیران متقاعد کرد. برای دبیران علاقه مند، حتی کسانی که از هیچ نوع آموزش رسمی در تاریخ و فرهنگ خاورمیانه برخوردار نیستند، این کمیته دوره های چندی را پیشنهاد می کند. نخست در پرتو ارزیابی انتقادی کتابهای درسی، مانند این کار، کتابهای درسی گزینش شود و فعالیتهای کلاسی متناسب با مقاطع دوره آموزشی، هدایت گردد. دوم، تلاش برای کسب حقایق و مشاهدات همه سربه به دانش آموزان امکان می دهد که به جای این که به راه حلهای کتاب درسی متکی باشند، خودشان در مورد مطالب داوری کنند. پاسخ

ساده وجود ندارد و برای هر «پاسخی» تقریباً همیشه می‌توان سوال دیگری یافت. سرم، دبیرانی که خواهان کمک و آگاهیهای ویژه‌ای هستند باید با محققان خاورمیانه در دانشکده‌ها یا دانشگاههای منطقه خرد مکاتبه کنند یا تماس بگیرند. اعضای انجمن مطالعات خاورمیانه می‌توانند فهرست مقالات، کتابها، کمکهای بصری و آدرس مراد ارزان یا رایگان را تهیه کند. نام و آدرس اعضای «کمیته درباره تصور خاورمیانه در دبیرستانها» با سایرین که مایل به دادن پیشنهادها موثری باشند، در اختیار دبیری که با دبیرخانه انجمن مطالعات خاورمیانه مکاتبه کند، قرار داده خواهد شد.

سرانجام مسوولیت آموزش بهتر در نهایت به دوش خود دبیران دبیرستانی است. آنان باید در عمیق کردن دید خود کوشش کنند و همان‌گونه که درباره سایر مناطق جهان، سایر مذاهب و سایر دوره‌های تاریخی که تدریس می‌کنند، مطالبی را گردآوری کرده‌اند، در مورد خاورمیانه نیز مطالب کافی تهیه کنند. به راستی که خاورمیانه و مسائل آن جدالی را برانگیخته که در هیچ کجای دیگر کره زمین یافت نشده است. هنوز دانش آموزان دبیرستانهای آمریکای شمالی درباره خاورمیانه و مردم آن می‌خوانند و می‌شنوند؛ آنان عقایدی دارند و به بحثها گوش می‌دهند و در آن وارد می‌شوند. دبیران آنان باید تا آنجا که ممکن است به درکی به دور از تعصب و غرض از متفقه مجهز شوند تا پایه‌ای برای این بحثهای سیاسی فراهم کنند که برای همدردی و درک و در نهایت برای صلح به کار آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال یادداشت‌های انسانی

۱- اعضای «کمیته بررسی درباره تصور خاورمیانه در دبیرستانها» عبارت هستند از: استاد زیاده (Ziadeh)، استاد ویلیام جی. گریس ولد (W. J. Griswold) از دانشگاه دولتی کلرادو، استاد جان جوزف (John Joseph) از دانشکده Franklin and Marshall، استادان پرتز (Don Pertz)، از SUNY در ینگه‌متون (Binghamton) نیویورک، استاد گلن پری (G. Perry) از دانشگاه ایالتی ایندیانا، استاد ایاد القزاز (Ayad al-Qazzaz) از دانشگاه ایالتی Sacramen و استاد میشل سلیمان (Michael) از دانشگاه ایالتی کانزاس. همچنین این کمیته شامل استاد راجر سیوری (R. Savory) بوده که بعدها جای خود را

به استاد ال. ام. کنی (L. M. Kenny) از دانشگاه تورنتو کاتادا داد.

یک نسخه از گزارش نوامبر ۱۹۷۲ «کمیته بررسی درباره تصور خاورمیانه در دبیرستانها» به انجمن مطالعات خاورمیانه، به وسیله مکاتبه با دبیرخانه انجمن به آدرس زیر به دست داده خواهد شد:

MESA, New York University, Washington Square, New York, New York,
10003.

۲- گزارش «کمیته بررسی درباره تصور خاورمیانه در دبیرستانها» در بخشی بیان کرده است که: «از چهل و شش کتاب تاریخ جهان، تاریخ خاورمیانه، یا علوم اجتماعی که از سوی اعضای این کمیته مورد بازبینی قرار گرفت، بیست و نه کتاب کاملاً غیر قابل قبول اعلام شد... هفده تای باقی مانده بین عالی، خوب یا متوسط قابل قبول طبقه بندی شدند، هر چند که اشتباههای جزئی یا حتی اندکی دگرگونی درباره مسأله عربی-اسرائیلی وجود داشت».

۳- مسؤلیت ترتیب و ترکیب آگاهی‌هایی برای این مقاله به عهده نویسندگان است که از مطالعه شخصی آنها درباره هریک از کتابهای درس ایالات متحده و از همکاری گسترده و آگاهی فراهم شده از سوی اعضای «کمیته درباره تصور خاورمیانه در دبیرستانها» سرچشمه گرفته است. ما همچنین از سخاوت ناشران ایالات متحده و کاتادا که با مهربانی نمونه کتابهای درسی خود را برای ما فراهم کردند، قدردانی می‌کنیم. مطالب کتابهای درسی کانادایی را استاد کنی (Kenny) و استاد جی. آر. بلک برن (J. R. Blackburn) از دانشگاه تورنتو، گردآوری کرده‌اند.

۴- اسامی مربوط به نویسندگان کتابهای درسی است. کتابشناسی کامل در پایان مقاله آمده است.

۵- این کمیته دریافت که اصطلاحهای «خاورمیانه» و «خاور نزدیک» اغلب در کتابهای درسی به عنوان مترادف به کار رفته است. برای درک روشنی از این اصطلاحها، نگاه کنید به:

R. H. Davison, "Where is the Middle East?" *Foreign Affairs*, 38:4 (July 1960), pp. 665-75.

فهرست منابع یادشده

۱- کتابهای درسی ایالات متحده:

Allen, J. and A. E. Howland, *Nations of other Lands*, Prentice-Hall, Inc., Englewood. Cliff, New Jersey, 1966.

- Alweis, F., **New Demensions of World History**, Van Nostrand, New York, 1969.
- Anon, **The Middle East** (P. K. HiHi, Consultant), Scholastic World Cultures Program. Scholastic Book Services, New York, 1972.
- Black, Cyril E., **Our World History** rev. ed., Ginn and Co., New York, 1968.
- Bucher, Jr., H., **The Third World, The Middle East**, Pendulum Press, West Haven, Conn, 1973.
- Carls, N., **Knowing Our Neighbors in the Eastern Hemisphere**, Holt, Rinehart and Winston, New York, 1968.
- Cleveland, Ray L., **The Middle East and South Asia 1973**, Stryker-post Publications, Inc., Washington, D. C., 1973.
- Cooper, K. S., et al., **Mankind in Time and Place, The Changing Old World**, Silver Burdett Co., Morristown, New Jersey, 1969.
- Eving, E. E., **Our Widening World, A History of The World's Peoples**, 2nd ed., Rand McNally and Co, New York, 1963.
- Forman, James, **My Enemy, My Brother**, Scholastic Book Services (TK 1733), New York, 1969.
- Habberton, W., et al., **World: History and Cultures, The Story of Man's Achievement**, Lardlaw Brothers, Summit, New Jersey, 1966.
- Jackel, H., and D. Peretz, **The Middle East, A Scholastic World Affairs Multi-Text**, Scholastic Book Services, New York, 1967.
- Kolevzon, E. R., **The Afro-Asian World, A Cutral Understanding**, Allyn and Bacon, Inc., Boston, 1969.
- Lcc, S. D., **Teacher's Guide to Yche**, R. S., **Exploring Regions of the Eastern Hemisphere**, Follett Educational Corp., Chicago, 1969.
- Magnis, A. and J. C. Appel, **A History of the World**, 2nd ed., American Book Co., New York. 1963.

- Mazour, A. G., et al., *A World History*, New 2nd ed., Harcourt Brace Jovanovich, New York, 1971.
- Neill, T. P., *Story of Mankind*, Holt, Rinehart and Winston, New York, 1968.
- Peretz, D., *The Middle East*, rev. ed., Houghton Mifflin Co., Boston, 1973.
- Peretz, D., *The Middle East, Selected Readings*, rev. ed., Houghton Mifflin Co., Boston, 1973.
- Petrovich, M. B. and P. D. Curtin, *Human Achievement*, Silver Burdett, Morristown, New Jersey, 1967.
- Platt, N. and M. J. Drummond, *Our World Through The Ages*, 3rd ed., Prentice-Hall, Inc., Englewood Cliffs, New Jersey, 1967.
- Randall, J. R., *Today's World in Focus, The Middle East*, Ginn and Co., New York, 1968.
- Rogers, L. B., et al., *Story of Nations*, rev. ed., Holt Rinehart and Winston, New York, 1973.
- Roselle, D., *A World History, A Cultural Approach*, Ginn and Co., Lexington, Mass., 1973.
- Stavrianos, L. S., et al., *A Global History of Man*, Allyn and Bacon, Inc., Rockleigh, New Jersey, 1968.
- Tachau, Frank, *The Middle East*, Macmillan Co., New York, 1970.
- Thralls, Z. A., et al., *The World Around Us*, rev. ed., Harcourt Brace and World, Inc., New York, 1965.
- Wallbank, T. W., and A. Schrier, *Living World History*, 3rd ed., Scott, Foresman and Co., Glenview, Ill., 1969.
- Wann, K. D., et al., *Man and His Changing Culture*, Allyn and Bacon, Inc., Rockleigh, New Jersey, 1968.
- Welty, P. T., *Man's Cultural Heritage*, rev. ed., Lippincott, Philadelphia,

1969.

Yohe, R. S., et al., **Exploring Regions of the Eastern Hemisphere**, Follett Educational Co., Chicago, 1969.

۲ - کتابهای درسی کانادایی:

Brown, George W., et al., **Canada and the World**, 5th reprint, J. M. Dent and Sons, Toronto, 1960.

Coulthard, Walter W., et al., **Patterns in Time**, J. M. Dent and Sons, Toronto, 1964.

Earl, D.W.L., **Roots of the Present**, Sir Isaac Pitman and Co., Toronto, 1964.

Fishwick, D., et al., **The Foundations of the West**, Clarke, Irwin and Co., Toronto, 1963.

Hardy, W. G., and J. R. W. Gwynn-Timothy, **Journey into the Past**, McClelland and Stewart, Toronto, 1965.

Lavender, E., et al., **A Thousand Ages**, rev. ed., McGraw Hill, Toronto, 1962.

Reid, Stewart and E. McInnis, **Our Modern World**, rev. ed., J. M. Dent and Sons, Toronto, 1963.

Ryckman, T. T. and H. E. Thompson, **Europe and Asia** (Aldine Geography, Book Four), J. M. Dent and Sons, Toronto, 1965.

Savard, P., and H. Dussault, **Histoire Generale**, 3 Vols. Centre Educatif et Culturel Inc., Montreal, 1966-1968. Vol I, **L'Orient, La Grece, Rome, Le Moyen Âge Jusqu'en 1328**; Vol II, **De 1328 a 1815**; Vol III, **De 1815 a 1968**.

Swatridge, L. A., et al., **Selected Studies in Regional Geography**, McGraw Hill, Toronto, 1963.